

مردم‌شناسی اقوام و ایلات ایران



تألیف



دکتر علی بلوکباشی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۷۳]

گنجینه کليات و مقالات



هيئت گزينش كتاب و جايزه

دکتر سيد مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفيعی کدکني - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود اميدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشين وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ايرج افشار - دکتر سيد جعفر شهیدی - دکتر جواد شيخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر يحيی مهدوی



مردم‌شناسی اقوام و ایلات ایران



تألیف دکتر علی بلوکباشی

تألیف

مسعود تاره

ویرایش فنی و استخراج نمایه‌ها

کاوه حسن بیگلو

گرافیسیت، طراح و مجری جلد

زهره رمضان پور

حروفچینی و صفحه‌آرایی

کوثر

لیتوگرافی

آزاده

چاپ متن

حقیقت

صحافی

۱۶۵۰ نسخه

تیراژ

بهار ۱۳۹۹

چاپ اول

انتشارات دکتر محمود افشار

ناشر

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب، کوی لادن، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هریک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر احمد میر - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - ابراهیم ابراهیمی (نایب رئیس هیئت مدیره، معاون قضائی دیوان عالی کشور)
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - معصومه پاک راد (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

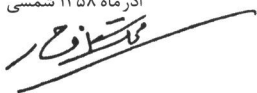
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجهٔ این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همهٔ تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهدهٔ بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجهٔ آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجهٔ این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکتهٔ دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامهٔ فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینهٔ بیشتر دارد، درآمد ماهیانهٔ بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوختهٔ بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازهٔ واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکملهٔ دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجهٔ این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافهٔ پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیلهٔ این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمدهٔ مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسندهٔ این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره



یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



سپاسنامه

سپاسگزاری می‌کنم از آقای سید کاظم موسوی بجنوردی، بنیانگذار و ریاست مرکز «دائرة المعارف بزرگ اسلامی» که با تأسیس بخش مردم‌شناسی در مرکز، این فرصت را به نگارنده داد که در فضای آرام آن به کار تحقیق و تألیف مقالات مردم‌شناسی تاریخی و تطبیقی در جامعه ایران و جوامع اسلامی بپردازم. بیشتر مقالات مندرج در این مجموعه و مجموعه‌های دیگری که به تدریج نشر خواهند یافت، حاصل همکاری با این مرکز و چاپ و نشر آنها در مجلدات گوناگون دائرة المعارف بزرگ اسلامی بوده است.

از دوست فرزانه‌ام آقای سیدعلی آل‌داود، عضو شورای عالی علمی دائرة المعارف بزرگ اسلامی و مدیر بخش حقوق دانشنامه/ایران تشکر می‌کنم که به پیشنهاد و تشویق ایشان مجموعه مقالات مردم‌شناسی برای چاپ و نشر به بنیاد موقوفات محمود افشار سپرده شد.

از آقای دکتر محمد افشین‌وفایی، مدیرعامل فرهیخته بنیاد نیز سپاسگزاری می‌کنم که از نشر این مجموعه و فراهم آوردن تسهیلات برای چاپ آن استقبال کردند.

علی بلوکباشی

پائیز ۱۳۹۸



فهرست مطالب

۱۷	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
	● بخش نخست، اقوام
۲۵	فصل اول
۲۵	اقوام و طوایف خراسان
۲۷	گسترهٔ جغرافیایی پراکندگی و گونه‌گونی اقوام
۳۱	۱. اقوام با خاستگاه ایرانی
۵۵	۲. اقوام با خاستگاه غیرایرانی
۷۳	۳. اقوام با خاستگاه‌های آمیخته و مبهم
۸۷	فصل دوم
۸۷	اقوام مناطق دیگر
۸۹	بلوچ
۱۴۳	ادبیات بلوچی
۱۵۳	بارکزیایی
۱۶۳	ترکمن
۱۹۱	افشار
	● بخش دوم، ایلات و طوایف
۲۱۱	فصل اول
۲۱۱	تعریف و ساختار
۲۱۳	ایل
۲۱۷	جامعهٔ ایلی
۲۴۷	ساختار خانواده در جوامع ایلی

۲۶۱	فصل دوم
۲۶۱	ایلات و طوایف کُرد
۲۶۳	بارزانی
۲۷۱	جاف
۲۹۵	فصل سوم
۲۹۵	ایلات و طوایف لُر
۲۹۷	بویراحمدی
۳۲۷	بهمئی
۳۴۱	بامدی
۳۵۱	فصل چهارم
۳۵۱	ایلات و طوایف ترک‌زبان
۳۵۳	أسانلو
۳۶۳	اینالو
۳۶۹	فصل پنجم
۳۶۹	ایلات و طوایف ترکیبی
۳۷۱	ایلات خمسه
۳۷۵	باصری
۳۸۵	باجلان

● بخش سوم، معرفی و نقد آثار

۳۹۹	ایل‌پژوهی میرزا حسن حسینی فسائی در جغرافیای تاریخی فارسنامه ناصری
۴۱۱	پایه‌های اقتصادی رهبری سیاسی در میان کوچندگان شبان
۴۳۳	تاریخ اجتماعی و سیاسی شاهسون: کوچندگان مرزنشین ایران
۴۴۵	ضرورت حضور در میدان تحقیق
۴۵۷	ایل باصری
۴۶۱	ایل پاپی
۴۶۵	طایفه سرلک ایل بختیاری
۴۷۱	● کتاب‌شناسی
۵۰۱	● نمایه
۵۴۳	● تصاویر

پیشگفتار

گفتارهای این مجموعه به جز گفتارهای بخش سوم، جملگی مقالاتی هستند که در مجلدات مختلف *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی/ایران* به قلم نگارنده درج و منتشر شده‌اند. بخش سوم حاوی مقالاتی است در معرفی و نقد آثار ایل پژوهی چند نویسنده ایرانی و خارجی که در مجلات نشر دانش، *نامه انسان‌شناسی، ایرانشهر/امروز*، و نیز *فرهنگنامه فرهنگ آثار* چاپ شده‌اند. در این بخش یک مقاله ترجمه از زبان انگلیسی درباره پایه‌های اقتصادی رهبری سیاسی *کوچندگان شبان* نیز آمده است. این مقاله را که قبلاً در *فصلنامه معارف* چاپ کرده بودم به سبب اهمیتش در تکمیل نظرها و نگرشهای ارائه شده درباره اقوام و ایلات به مجموعه افزودم.

گفتارهای مجموعه در سه بخش با عناوین اقوام، ایلات و طوایف، و معرفی و نقد آثار و هر بخش در چند فصل تنظیم و تدوین شده‌اند. مقالات برگرفته از *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* همه ساختار موضوعی واحد و شیوه نگارش کم‌وبیش همسان دارند. دادن ارجاعات در متن و آوردن مآخذ با مشخصات کامل منابع در پایان هر مقاله، به همان روش معمول در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* حفظ شده‌اند. همه مقالات این مجموعه بازبینی شده‌اند و هر جا لازم به نظر می‌آمد، مطلبی جزئی افزوده یا کاسته شده است. فهرست مشخصات کامل منابع هریک از مقالات که در پایان آنها آمده، برای دستیابی آسان علاقه‌مندان به صورت کامل و الفبایی آنها در *کتاب‌شناسی* پایان کتاب آورده شده است.

مقالات حاصل دهها سال کار تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی و گوشه‌ای از کوششهای پی‌گیر نویسنده در راه شناخت شکل زندگی و شیوه معیشت اقتصادی و نوع بینش فرهنگی و جهان‌بینی دینی گروهی از مردم جوامع ایران است که بیشترشان زندگی

کوچندگی می‌داشتند و از راه شبانی و اقتصاد گله‌داری و دامپروری و کشاورزی جنبی معاش می‌کرده‌اند. در هریک از این مقالات با در نظر گرفتن حجم مناسب هر مقاله برای دائرةالمعارف، به طور فشرده و خلاصه به موضوعات اساسی و مهمی که تبیین‌کننده ساختار اجتماعی، اقتصادی و هویت فرهنگی قوم یا ایل و طایفه باشد، پرداخته شده است. از این‌رو، در هر مقاله می‌توان مطالبی در زمینه خاستگاه قومی - زبانی، بستر جغرافیای پراکندگی، زمان تاریخی شکل‌گیری، ساختار اجتماعی و سیاسی، رویدادهای تاریخی و جنگ و ستیزها و قیامها، نظام اقتصادی کوچ‌روی، ساختار سیاسی دستگاه رهبری، نظام اعتقادات عرفی - سنتی و دینی و مقولات مربوط به حوزه زبان، ادبیات عامه، هنر عامه و مناسک و آئینها و... هریک از اقوام و ایلات و طوایف یافت. گردآوری این مقالات و چاپ آنها در کنار هم در یک مجموعه، بیشتر به منظور دستیابی آسان شیفندگان به آشنایی با موضوع مورد علاقه‌شان در تحقیقات قوم‌شناسی و ایل‌پژوهی در سرزمین ایران بوده است. گفتارهای این کتاب مجموعاً بخش مهمی از تاریخ اجتماعی - اقتصادی و نظام فرهنگی طیفی بزرگ از گروه‌های قومی، عشایری و روستایی در جوامع نانویسای سنتی بدون تاریخ مضبوط در گستره سرزمین ایران را به دست می‌دهند. از داده‌های مباحث تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی این گفتارها که بیشتر نمایانگر اوضاع و احوال گذشته این جوامع است، می‌توان همچون مدارک و اسنادی برای مطالعات تطبیقی در پژوهشهای مردم‌نگاری جوامع ایلی امروز ایران بهره برد و از طریق این داده‌ها به چگونگی دگرگونی و توسعه‌یافتگی این جوامع در چند دهه اخیر دست یافت.

مقدمه

شناخت اقوام ساکن در ایران و توجه کردن و حرمت نهادن به فرهنگ و زبان این جمع بزرگ از مردم ایران که در حیات تاریخی اجتماعی خود بی‌مهریهای فراوانی را تجربه و محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی بسیاری رانجیبانه تحمل کرده‌اند، اعتبار بخشیدن و حرمت بخشیدن به هویت فرهنگ ملی ایران است. جمعی از داعیان حفظ فرهنگ و زبان فارسی، دانسته یا ندانسته نقش گروه‌های قومی و زبانی پراکنده در ایران و سهم تاریخی کهن آنان را در غنا بخشیدن به فرهنگ ایران نادیده می‌انگارند و بر این واقعیت چشم می‌پوشانند که فرهنگ ملی ایران آمیزه و برآمده از پاره‌فرهنگ‌های گوناگون اقوامی بوده که جامعه متکثر فرهنگی ایران را در گستره ایران زمین شکل داده است. زبانها و گویشهایی که مردم این اقوام مانند کُرد، لُر، بلوچ، تُرک، تُرکمن، گیل و دیلم و دیگر اقوام و گروه‌های دینی و زبانی همچون زرتشتی و ارمنی بدان سخن می‌گویند، به‌جز زبانهای تُرکی، تُرکمنی و عربی، همه در زمره زبانهای ایرانی و شاخه‌ای از گروه زبانهای هند و ایرانی هستند که به خانواده بزرگ زبانهای هند و اروپایی تعلق دارند. در میان این زبانها، زبانهای فارسی، کُردی، لُری و بلوچی عمده‌ترین آنها در گروه زبانهای ایرانی به‌شمار می‌آیند. اقوام تُرک و تُرکمن و عرب ساکن در ایران نیز هرچند خاستگاه قومی و زبانی متفاوت با اقوام ایرانی دارند، اما در اثر صدها سال همزیستی تاریخی با مردم و اقوام ایرانی بسیاری از عناصر فرهنگی و زبانی و آئینی ایرانی را اخذ کرده و با فرهنگ خود آمیخته و به خانواده بزرگ فرهنگ ایرانی پیوسته‌اند. با این‌همه شگفت‌انگیز است که گروهی می‌خواهند با «فرهنگ‌زدایی» و «زبان‌کشی» قومی، فرهنگ و زبان فارسی را در بستر تعلقات ملی توسعه دهند و حفظ کنند. غافل از آن که انسجام و قوام و اعتبار وحدت ملی و هویت فرهنگی

ایرانیان در این سرزمین خلاف باورمندان این نگرش، با زنده و زایا نگهداشتن مجموع همین خرده‌فرهنگهای قومی و دینی و زبانی تحقق می‌یابد. ناگفته نماند که یکی از امتیازهای مهم تمدن ایرانی نیز همین تنوع قومیتی و تکثر فرهنگی و زبانی است که عناصر ساختاری بدنه آن را شکل می‌دهد.

اقوام ساکن در ایران به سبب تعلقات سرزمینی، تاریخی، فرهنگی و برخی مشترکات دیگر، از دیرباز با حفظ فرهنگ قومی و زبان مادری، خود را ایرانی می‌دانند و با هویت ایرانی در بیرون از اقلیم مادری، خود را می‌شناسانند و شناخته می‌شوند. زبان فارسی که زبان رسمی و همگانی کشور است، زبان میانجی این گروه‌های قومی در برقرار کردن خط ارتباط فرهنگی و اقتصادی با قومهای دیگر و همه ایرانیان است و به‌خوبی دریافته‌اند که با بهره‌گیری از این زبان می‌توانند اندیشه و خواسته‌های سیاسی و مادی و معنوی خود را در بستر جغرافیای ایران فرهنگی ابراز دارند. به گواهی تاریخ، بارها نیز این گروه از مردم تعصب سرزمینی و احساس ایرانیگری خود را به هنگام تهاجمات و تعرضات بیگانگان به این خاک نشان داده و در کنار فارسی‌زبانان در حراست از سرزمین و مردم و فرهنگ ایران با همه وجود، جانفشانی کرده‌اند.

تا چهل سال پیش فرهنگ مردم این جوامع شبان و روستایی ایران میدان کار تحقیقات انسان‌شناسی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم‌شناسان ایرانی و خارجی بود. از آن زمان تاکنون به دلایل گوناگون، پژوهشهای مردم‌نگاری در جامعه و فرهنگ این آشنایان ناشناخته کم‌وبیش به فراموشی سپرده شده است و انسان‌شناسان از تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران بر این جوامع در چهار دهه اخیر غافل بوده و از باز نمود این تحولات و چگونگی توسعه‌یافتگی این جوامع اطلاع دقیق و روشنی در دست ندارند.

در این زمان ما نمی‌دانیم که بر سر این اقوام که بیشترشان ساختار ایلی - عشیره‌ای داشته و پیوسته در کوچ و حرکت بوده‌اند و اکنون شمار بسیاری از آنها سازمان سنتی ایلی - عشیره‌ای را رها کرده و روستانشین یا شهری شده‌اند، چه آمده است؟!

ما نمی‌دانیم با پیوستن شماری از گروه‌های قومی و ایلی - عشایری به شهرها و توسعه فرهنگ شهرنشینی در اقلیم این جوامع و ارتباط و آشنایی مردم آنها با نظام فرهنگ

شهریگری و نوع معیشت زندگی شهری، اکنون چه مسیری را می‌پیمایند؟! همچنین ما از تأثیر فرهنگ رسانه‌های گفتاری، دیداری و شنیداری عمومی بر فرهنگ این جوامع آگاهی دقیقی نداریم و نمی‌دانیم که تا چه اندازه فرهنگ تبلیغاتی رسانه‌ای توانسته بر زندگی عرفی و فرهنگ سنتی مردم این جوامع، به‌ویژه بر رفتار و اخلاق جوانان ایلی و روستایی اثر بگذارد!

از نقش و تأثیر نظام آموزشی در باسواد کردن عشایر و روستائیان بی‌خبریم و اطلاع نداریم باسواد شدن مردم، به‌ویژه جوانان، همچنین مهاجرت جوانان ایلی و روستایی به شهرها و اشتغال آنان به کار و تحصیل، چه تغییراتی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های آنها و جامعه‌شان پدید آورده است؟ کار و تحصیل جوانان و دوربودن آنان از محیط عشایری چه تغییری در اخلاق و سلوک عرفی - سنتی و روابط و رفتار آنان با اعضای خانواده و خویشاوندان و اقتصاد خانواده و جامعه‌ای که از آن برآمده‌اند، پدید آورده است؟

اطلاع نداریم که در چهل سال گذشته، نظام حکومت مذهبی ایران چه دگرگونی‌هایی در مذهب عرفی و ساختار فرهنگی ایلی - عشیره‌ای جوامع قومی پدید آورده است؟ چه تفاوت‌هایی میان ساختار فرهنگ مذهبی و نظام اجتماعی و سیاسی امروزی جوامع ایلی - عشایری با آنچه انسان‌شناسان در چهل سال پیش در آثارشان از آنها ارائه داده‌اند، روی داده است؟!

پرداختن به تحقیق در فرهنگ اقوام و جامعه ایلی - روستایی در برنامه تحقیقاتی انسان‌شناسی امروز مدت زمانی است که فراموش شده و به حاشیه رفته است. برای جبران این غفلت شایسته است همه کسانی که در زمینه انسان‌شناسی و مردم‌شناسی در دانشگاهها، یا بیرون از دانشگاهها و در نهادهای علمی - پژوهشی به کار آموزش و تحقیق اشتغال دارند، بخشی از تلاشهای تحقیقی خود را به فرهنگ این گروه از جوامع ایران، به‌ویژه ایلات و عشایر اختصاص دهند. استادان انسان‌شناس ما اگر خود فرصت نمی‌کنند تا به تحقیق مردم‌نگاری میدانی در ایل و روستا بپردازند، دست‌کم می‌توانند دانشجویان ارشد و دکتری دانشگاهها را به کار قوم‌نگاری و فرهنگ‌شناسی ایلات و عشایر بگمارند و موضوع پایان‌نامه‌های آنها را به موضوعات ایلی - عشایری اختصاص دهند.

تحقیقات میدانی و داده‌های تازه پژوهشگران می‌تواند از سویی فاصله فرهنگی ما را با این جوامع نزدیک و با دگرگونیهای روی داده در تاریخ حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی امروزی آنها آشنا کند، و از سوی دیگر باب مطالعات تطبیقی - تاریخی و فرهنگی در جوامع قومی - ایلی در ایران را برای قوم‌شناسان و علاقه‌مندان به این نوع تحقیقات بگشاید، و از همه مهم‌تر همراه با خط پژوهش - محوری، خط کاربردی - محوری را نیز برای بهره‌گیری از آن در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی جامعه‌های عشایری به کار بندد تا در بهینه‌سازی زندگی مردم این جوامع گام‌هایی سودمند برداشته شود.